

کومی بالدار

وریشه آن در میان ملل باستان

گزارش و پژوهش: بهمن انصاری

منتشر شده برای نخستین بار در تارنمای:

www.TarikhBook.ir

در سنگ‌نبشته بیستون داریوش هخامنشی و سنگ‌نگاره‌های پارسه (تخت جمشید) نگاره‌ای دیده می‌شود که بعدها نیز دیگر پادشاهان هخامنشی آن را بکار بردند اما در گذر زمان فراموش گشت.

امروزه با گذشت هزاران سال از آن روزگار این نگاره مورد نگرش و توجه ایرانیان قرار گرفته و با نام "قروهر" نامیده می‌شود. همچنین امروز آن را در پیوند با کیش زرتشتی دانسته و گاهی آن را حتی نگاره‌ای از اهورامزدا (خداوند) قلمداد میکنند.

در این جستار کوشش میکنیم تا با بهره‌گیری از اسناد و منابع تاریخی، به بررسی و درستی این نگرش‌ها و همچنین بازشناسی ریشه نگاره گوی‌بالدار بپردازیم.



نشان گوی‌بالدار در تمدن سومر:

سومری‌ها گروهی از مردم بودند که به درستی نژاد آنها روشن نیست. سه نگرش در مورد سومری‌ها باشنده است. نخست اینکه آنها را سامی‌نژاد می‌دانند. دیگر آن که آنها را شاخه‌ای از ایرانیان باستان می‌دانند که از فلات ایران کوچ کرده و در میان‌رودان ساکن شدند. نگرش پایانی آن است که آنها نه ایرانی بوده و نه سامی‌نژاد بلکه دارای نژادی جداگانه بودند.

نخستین بار در سنگ‌نگاره‌های سومری که بیش از پنج‌هزارسال دیرینه‌گی دارد شاهد این نشانه هستیم.

سومری‌ها دارای تمدنی بسیار پیشرفته و شگفت‌انگیز بودند. در سنگ‌نبشته‌هایی از آنها روایتی از يك داستان شگفت‌انگیز آمده است: «افرادی به نام "آنوناکی" * از سیاره‌ای به نام "نیرو" به روی زمین کوچ کرده‌اند.» نگاره گوی‌بالدار نخستین بار ریشه در این افسانه دارد و نمایانگر موجوداتی ماورای‌آدمی هستند که با یاری شیئی بالدار به زمین آمدند.



نشان گوي بالدار در تمدن مصر:

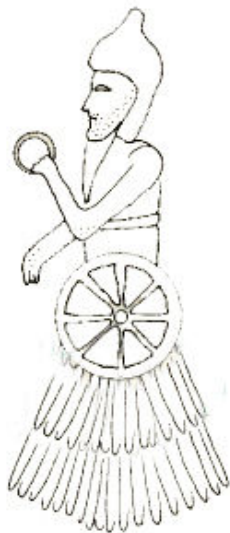
پس از سومري‌ها اين مصري‌ها بودند که از نشانه گوي بالدار آنها بهره بردند. مصري‌ها که بسيار به "را" خدای خورشيد گروش داشتند، اندکي در نگاره سومري‌ها دست برده و آن را دگرگون کردند. آن‌ها خدای خورشيد را در ميان دو بال گذاشته و در بيشتر يادگارهاي خود آن را به کار بستند.



نشان گوي بالدار در تمدن بابل:

سده‌ها پس از نابودي سومري‌ها بود که بابلي‌ها در ميان‌رودان كشوري را بنا نهادند. بابلي‌ها از اخلاف مردمان سامي‌نژادي بودند که بيشتر از بيابان عربستان کوچ کرده و در ميان‌رودان جاي گرفتند.

بابلي‌ها بت‌ها و خدايان گوناگوني را مورد پرستش قرار مي‌دادند. اما در اين ميان، به خدایي با نام "مردوك" (مردوخ) بيش از ديگر خدايان ارج مي‌نهادند. بابلي‌ها پيكره‌ها و نگاره‌هايي از مردوك را ساخته و مورد ستايش قرار مي‌دادند. در يکي از اين نگاره‌ها مردوك پشت گوي خورشيد ايستاده و در دست چپ خود حلقه‌اي را در دست گرفته است.



نشان گوي بالدار در تمدن آشور:

آشوري‌ها که از نیرومندترین و در عین حال از ستمگرترین اقوام سامی نژاد بودند، به وارون بابلی‌ها که مردوک را خدای بزرگ میدانستند، "ایزد آشور" را در جایگاه پراج‌ترین خدای خود می‌پرستیدند. این نشانه همانگونه که پیشتر در بابل و مصر رواج یافته بود، مورد پروا و نگرش آشوري‌ها نیز قرار گرفت.

آشوري‌ها با تلفیق خورشید بالدار مصري‌ها و نشانه مردوک بابلی که در پشت گوي خورشید بود، به گونه تازه‌تری این نشانه را به کار بستند. سپس از آنجا که آنها پیرو ایزد آشور بودند، به جای نگاره‌ای از مردوک، از تصویر آشور در میان این نشانه بهره‌بردند.



نشان گوي بالدار در تمدن ایران:

با روی کار آمدن هخامنشیان و شاهنشاهی داریوش، دگرگونی‌های شگرفی در نوع کشورداری رویداد. داریوش به گونه گسترده نخستین بار در بیستون و سپس در پارسه (تخت جمشید) دستور به نگارش رویدادها و تصاویر کرد.

داریوش با نگرش در نگاره‌های مصري، بابلی و آشوري، برآن شد تا از نگاره گوي بالدار بهره بگیرد. بنابراین هر سه گونه مصري، بابلی و آشوري را تلفیق کرده و با بهره‌گیری از هر سه آنها نگاره‌ای را ساخت که به‌گونه گسترده در یادگارهای بازمانده از هخامنشیان دیده می‌شود.



نشان گوی بالدار و قروهر:

نگاره گوی بالدار دست کم دارای پنج هزار سال دیرینه‌گی است. اگرچه می‌توان با این گمان که سومری‌ها را دسته‌ای از کوچندگان ایران باستان بدانیم، قدمتی بیش از هفت هزار سال را نیز می‌توانیم برای این نگاره باور داشته باشیم.

شوربختانه در سده‌های اخیر، برخی با عنوان ایران دوستی کوشش کرده‌اند تا در تاریخ دست برده و اقدام به دزدی و تحریف رویدادهای تاریخی کنند. نخستین دروغ این دزدان تاریخ آن است که این نشانه را سیاخته داریوش عنوان کرده‌اند. سپس آن را یک نماد زرتشتی دانسته و نام ساختگی قروهر را به آن داده‌اند. در نهایت حتی تا جایی پیش رفته و آن را تصویری از اهورامزدا، خدای زرتشتیان نامیده‌اند.

این نگاره هرگز در هیچ سنگ‌نبشته‌ای به نام خاصی نامیده نشده و عنوان کردن نام قروهر برای آن از دستبردها و دزدی‌های تاریخی است که در سده‌های اخیر روی داده است.

همچنین پیوند دادن این نگاره به کیش زرتشتی و شناساندن آن به عنوان نمایی از اهورامزدا، بزرگترین توهین و زشتی به آیین آسمانی زرتشتی است. چرا که اهورامزدا در کیش زرتشتی همان الله در اسلام و یهوه در تورات است. زرتشتیان هرگز در سراسر تاریخ باشندگی خود برای اهورامزدا نگاره‌ای نساخته‌اند. ساختن نگاره برای اهورامزدا و هم رده قرار دادن آیین زرتشتی با آیین‌های بت‌پرستی بزرگترین ظلم در حق این آیین آسمانی است.

این نگاره نه پیوندي با کیش زرتشتی دارد و نه یک نگاره ایرانی است. بنیان آن را سومری‌ها ریخته و بعدها به دست مصریها، بابلی‌ها، آشوری‌ها و ایرانی‌ها دچار پیشرفت و دگرگونی شده و در پیکر کنونی برجای مانده است.

بنابراین بر هر دوستدار فرهنگ این سرزمین بایسته است که گامی در سوی بازیافت تاریخ کهن و جلوگیری از دزدی و دستبرد در باورها و رویدادهای نیاکانمان بردارد.



بهمن انصاری

تیر ماه یکهزار و سیصد و نود و دو خورشیدی

بهمن انصاری (سوشانت):

Bahman.Soshiant@Gmail.com

منتشر شده برای نخستین بار در وبسایت :

www.TarikhBook.ir

پایان